

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1390/02/13



درباره موضوع و حکم بحث ما کامل شد که گفتیم تمساح از موضوعات است و تشخیص موضوع کار فقه نیست و مطلب کامل شد بعضی از عزیزان سوال کردند سوالات را مطرح کنم که این مطلب کامل بشود سوال اول را دکتر فهمی فرمودند که مقام معظم رهبری فرموده اند که ما در موضوعات دخالت نمی کنیم سوال دوم را جناب آقای سلطانی فرمودند که فقیه حکم را روی موضوع می برد باید موضوع را بداند و بنابراین برای فقیه لازم است که موضوع را مشخص کند و کار کند و به دست بیاورد تا حکم را روی موضوع بار کند جناب آقای باقری فرمودند که بعضی از موضوعات را فقها دخالت می کنند مثل موسیقی این سه تا سوال را حل کنیم گفتیم بار دیگر هم می گوئیم که حکم اعتبار شرعی است و چیزی که ابزار حکم است ادله فقهی شرعی است عملیات اجتهاد بکارگیری ادله فقهی برای استنباط حکم شرعی است بنابراین حکم را کامل فهمیدیم کسی که می تواند عملیات اجتهادی یا استدلال عالی فقهی داشته باشد فقیه و مجتهد است و کارش این است که حکم را استنباط کند این کار تخصصی فقیه و نتیجه کار اجتهادی همان استخراج حکم و پس از آن بیان حکم در شکل قضیه حقیقه که می شود فتوا اگر فقیه حکم را در شکل قضیه حقیقه اعلام بکند می شود فتوا اگر به شکل قضیه خارجی اعلام بکند می شود حکم حاکم شرع اما موضوعات عبارت است از واقعیتهای خارجی عمل خارجی شی خارجی موجودات واقعی واقعیت های موجود در خارج اینها موضوعات هستند این مطلب که برای ما کامل روشن شد این حرفی که ما می زنیم به معنای دقیق الفاظ دقت کنید می گوئیم تشخیص بیان حکم وظیفه مجتهد است تشخیص موضوع وظیفه مقلد است وظیفه مجتهد نیست تا اینجا هیچ ابهامی در کار نیست کاملاً در نهایت استحکام است ما که می گوئیم تشخیص موضوع وظیفه مجتهد نیست به این معنا نخواهد بود که مجتهد از موضوع بریده است موضوعات را خود مجتهد برای بیان باید بداند علم به موضوع در شکل قضیه حقیقه مطلبی است و تشخیص موضوع مطلب دیگر بنابراین موضوعات چند دسته هستند دسته اول موضوعات واقعیتهایی که انسان

همیشه با او روبرو است از واضحات است شرع می گوید حکم اب این است شرع می گوید حکم تراب این است این پیش فقیه مثل یک ادم عادی معلوم است دسته اول موضوعات از واضحات است دسته دوم موضوعات معلوم است منتها الان خبر نداریم که این موضوع موجود هست یا این موجود نیست اینجا خبر ثقه به اصطلاح اطلاع رسانی و از طریق اخبار یا خبر ثقه به وجود موضوع اذعان می کنیم قسم سوم موضوعی است مبهم اصل موضوع مبهم است پیچیده است نمی دانیم موجودی است از موجودات ولی شک می کنیم که این عنصر یا این موجود از شکل ملموسات است یا غیر ملموسات است اگر از شکل ملموسات باشد تیمم بر آن جائز نیست اگر از شکل ملموسات نباشد تیمم بر آن جائز است نیاز دارد به کارشناسی خبرویت آزمایش مختصری دارند تحقیق می کنند بعد از آزمایش مختصر به ما خبر می دهند و قولشان هم حجت شرعی است این مطلب که تمام شد مثال خودمان هم همین طور تمساح سیلان دم دارد یا ندارد جزء موضوعات نیست که با مشاهده و رویت کارش تمام بشود باید آزمایش انجام شود آزمایش بسیط و ساده یک چاقو به رگ گردنش بزنیم اگر خون جاری شد دم سائل دارد اگر نشد دم سائل ندارد حکم هر یک از این موضوع جداس است این که معلوم شد بنابراین فقیه موضوعات را می داند اما که فرمودید که فرموده اند که باید دخالت بکند اگر فقیه اگر دخالت بکند بر اساس داعی است که پیش خودش دارد دخالتش ممنوع نیست اما دخالتش از راه عملیات اجتهاد نیست دخالتش از راه اخبار و خبره است به عنوان مجتهد کار را نمی تواند دنبال کند ربطی ندارد به عنوان یک محقق و پژوهشگر می تواند کار را دنبال کند اما وقتی که می فرستد گروهی مثلاً بعد فرستاده می شود برای رویت هلال این نه نصی است و نه کتابی نه سنتی نه اجماعی بلکه یک خبرویت و کارشناسی است این فردی که این تحقیق را انجام می دهد عنوان مجتهدش جدا این عنوان می شود محقق و پژوهشگر و جائز است

سوال و جواب گفتم اگر دخالت در موضوع را لازم بدانید بر اساس داعی که دارد داعی اعتماد مردم است انتظار مردم است حل مشکل است اقامه عدل است بر اساس داعی که دارد اگر اقدام کند به موضوع در آن صورت می شود یک محقق نه یک مجتهد ممکن داعی حکم ثانوی بشود ضرورت و جلوگیری از افساد

سوال و جواب ولی ان زمانی که می رود کار تخصصی انجام می دهد ان زاویه زاویه اجتهاد نیست عملیات مجتهد الفقه فی اللغه الفهم و فی الاصطلاح عباره عن العلم باحكام الشرعیه الفرعیه الکلیه عن ادلها التفصیله کتاب سنت اجماع و عقل

سوال و جواب موضوع قابل جعل شرعی نیست جعل شرعی اعتبار است موضوع واقعیت خارجی دارد جعل شرعی اعتبار است گاهی شرع موضوع را تعیین می کند

سوال و جواب خود قیام و قعود فعل است فعل یک واقعی است تمامی موضوعات واقعیتهای خارجی هستند روی واقعیت خارجی شرع می تواند حکم ببرد می گوید این تکه ها را با هم پیوند قرار دادید می شود نماز این فعل را برای شما واجب قرار دادم که می شود حکم شرعی روی یک موضوع خارجی که عمل مکلف باشد منتها این را تعیین می کند جعل نیست خود اینها واقعیت خارجی است یک نکته باقی ماند حرف اقایی باقری و ان این است که می فرماید بعض موضوعات در اختیار شرع است از شرحی که دادیم تا حدودی معلوم شد موسیقی یا غناء گاهی موضوع خارجی خیلی روشن نیست مثل اب موضوع ابهام دارد

شیخ انصاری که می گوید غنای محرم از قبل بوده بین مردم ولیکن در تشخیصش شک کردند که این غناء مصادیق زیادی دارد که عمدتاً ساز و آواز است ساز و آوازهای عادی هم هست یک مقدار پر پیچ و تاب یک مقدارش هم عادی است صداست خیلی مصادیق متعدد دارد ما آن ساز و آوازی که محرم هست را تشخیص بدهیم اینجا موضوع ابهام دارد عرفی است معنای غناء ساز آواز بوده است بعد فقها آمده اند اضافه کردند در متن نصوص نیست که ترجیع و مطرب و مناسب مجلس لهُو اینها را فقها گفته اند آمده اند دیده اند که هر صوت و صدایی که نمی شود برای اینکه حکم را روی موضوع خوب بار نکنند قیود را اضافه کرده اند مناسب مجالس لهُو و لعب ترجیع و مطرب از باب قدر متیقین یا از باب کشف ملاک که ملاکش همان هیجان است و به عقل و خرد صدمه وارد کردن تهییج جنبه غرائز داشتن اینها ملاکات است آمده اند یا ملاکات را دقت کردند یا قدر متیقن را در نظر گرفته اند گفته اند غنای محرم است شیخ انصاری معروف بین فقها و اصولین بیان ایشان است

سوال و جواب اگر یک ساز و آوازی ترجیع داشت و بعد طرب انگیز بود و مجلس هم مجلس لهُو و لعب بود اینها جزء واقعیتهای عینی است که باید مقلد تشخیص بدهد در این صورت می شود غنای محرم در صورتی که این خصوصیات را نداشت مستند به دو تا مبناست قول اول صدق غنا کافی است آنها ملاکات است اهداف است یا حکمت است خود صدق غنای عرفی صدای خوش دلنگیز کافی است با یک ضمائیم صدق غنا کافی است این قول عمدتاً قول اصولین هست و قول دیگر که عمدتاً قول قدما به حساب می آید یا محدثین به آن می گوئیم این است که قدر متیقن از غناء این است که انسان را از لحاظ نفسانی تحریک کند صدای خوش تنها کافی نیست تهییج به طور مثبت مثلاً فرض کنید شعری درباره ولایت می خواند یا برای جبهه یا مثلاً خبر امام زمان برسد تحریک معرفتی است اشکالی ندارد تحریک غریزی و شهوانی باشد اگر تحریک شهوانی نبود مصداق غناء مشخص نشده است و شبهه بر مازاد می شود شبهه بنابراین فرمایش جناب آقای باقری که فرمودند که موسیقی را شرع تعیین می کند قضیه اش روشن شد که جعل شرعی نیست تعیین که برای حکم موضوع معین می کند در تمامی احکام در آن حد هست بیان حکم نیاز دارد که این موضوع برای فقیه و حاکم معلوم باشد این مطلب شکر خدا کامل شد و ابهامی باقی نماند

سوال و جواب مسئله طبل و شیپور در فقه عنوان نشده در فقه هم ایشان فرمود که غنا هست و بس درباره غنا که معنای عرفی غنا که معلوم است معنای عرفی ساز و آواز است از قبل از چیزهایی بوده اگر دیدید که زنها در مراسم خودشان در حد یک طبل و مردان هم

استماع نکنند در محل اختصاصی بانوان باشد که برای مردم به گوش نرسد سوال و جواب برای مراسم اهل بیت طبل و شیپور را در آن حد فقهایی نجف تایید می کردند آقای حکیم و آقای خویی و سید ابوالحسن اصفهانی و در یک مراسمی کشته شدند آقای حکیم جلسه ختم گرفت جلسه هیئت سید الشهدا خیلی با شدت و زور حرکت می کنند آقای حکیم تجلیلاً لهم مجلس ختمی برگزار کردند اینها مویداتی است که در آن رابطه هست

سوال و جواب آقای بروجردی و آقای گلپایگانی مطلقاً حرام می دانستند یک ساز و آواز و غناست از رای امام هم استفاده می شود که ایشان مخالف نیست مطلق طبل و شیپور حرام اعلام نمی کند فقهای نجف آن طبل و شیپوری که برای مراسم سینه زنی تایید می کردند آقای بروجردی مطلق غنا را اما شیپور را و طبل بر نخوردم که تحلیل کند منتها در هیئت سینه زنی

يك فتوايي دارد كه در مراسم سینه زني مردان خودشان لخت بكنند و خانمها ناظر باشند اين درست نيست اين معروف است كه ان زمان